



مجموعه اشعار آئینی

ثقة الاسلام حاج شيخ علي امام جمعه امامي
متخلص به مشكات

به كوشش

ابوالفضل امينيان

سرشناسه : امام جمعه امامی، علی، ۱۲۴۸-۱۳۳۳ .
 عنوان و نام پدیدآور : مشکات کاشمیری/مجموعه اشعار آیینی علی امام جمعه امامی ؛
 به کوشش ابوالفضل امینیان.
 مشخصات نشر : مشهد: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری : ۲۰۰ ص؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۷-۰۷-۳
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : ۲۰th century -- Persian poetry
 موضوع : شعر مذهبی فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : ۲۰th century -- Religious poetry, Persian
 شناسه بزوده : امینیان، ابوالفضل، ۱۳۴۳-، گردآورنده
 رده بندی : PIR۸۳۳۴/م۲م۵ ۱۳۹۷
 رده بندی دیویی : ۸۱۴/۴۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۳۵۳۱۳۲

مشکات کاشمیری

مجموعه اشعار آیینی

ثقة الاسلام حاج شیخ علی امام جمعه امامی (مشکات)

مؤلف: ثقة الاسلام حاج شیخ علی امام جمعه امامی

به کوشش: ابوالفضل امینیان

ناشر: انتشارات موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

صفحه آرا: حمزه خراباف

چاپ اول: پائیز ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۵،۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۷-۰۷-۳

کلیه حقوق محفوظ می باشد.



مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام



فهرست مطالب

| | |
|----|---------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۵ | مقدمه |
| ۲۱ | چنان که احوال مرغان خوش الحان (دیباچه کتاب قتباس از دیباچه یوسفیه شیخ جامی) |
| ۲۳ | فصل زمستان رسید و نوبت سرما (قصیده بر بیهوشی و اشاره به میلاد پیغمبر گرامی) |
| ۲۷ | (معلمی که تو را این ستمگری آموخت) مدح حضرت یحییو استقبال از شعر سعدی |
| ۲۸ | (احمد به نبوتش قرین بود) تاریخ حال خاتمه انبیا (صلی الله علیه و آله وسلم) |
| ۲۹ | (شب تولد سلطان اولیا آمد) میلادیه در ولادت با سعادت حضرت امیر مؤمنین علیه السلام |
| ۳۰ | (تا بر تن من ز حب او هست رمق) رباعی |
| ۳۰ | (شاه رسل بفرمود با او که ای پسر عم) قطعه |
| ۳۰ | (جبریل در روز احد گفتا به آواز جلی) تک بیت |
| ۳۱ | (شب ولادت زهرای اطهر است امشب) میلادیه ولادت با سعادت حضرت زهرا علیها السلام |
| ۳۲ | (زن و این همه علم و فضل و کمال) ایضا |
| ۳۳ | (چو شد در پرده عصمت مکانش) میلادیه ولادت با سعادت حضرت ابی عبدالله الحسین |
| ۳۴ | (مژدگانگی شیعیان را سوم شعبان رسید) سوم شعبان، ولادت با سعادت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام |
| ۳۶ | (ز انقلاب هوا ز گردش آسمان) قصیده تمویزه و اشاره به مدایح و مناقب حضرت ابی عبدالله |
| | (یازده بگذشت چون از ماه ذیقعد الحرام) یازده ذیقعد و ولادت حضرت امام هشتم علی بن موسی |
| ۴۰ | الرضا علیه السلام |

- ۴۱ (برگنبد منیر تو تابیده آفتاب) مدح حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام
- ۴۱ (مانندسگ گرسنه و گربه لوس) رباعی
- ۴۲ (باز در عالم لوای عشرت و شادی بهما شد) ولادت حضرت جواد الائمه علیه السلام
- ۴۴ (چو صبح دوم ماه رجب طلوع نمود) ولادت حضرت امام علی النقی علیه السلام
- ۴۵ (به امر حضرت خلاق قادر و مطلق) ولادت حضرت امام زمان حجت بن الحسن علیه السلام
- ۴۶ (بهار آمد زبمن مقدمش عالم گلستان شد) قصیده بهاریه در مدح حضرت امام زمان علیه السلام
- ۵۲ (در ریزه بار مهر روی تو خوشم) رباعی
- ۵۳ (مه چنان شده در ابر عیان خواهد شد) مؤذنه ظهور امام زمان علیه السلام
- ۵۳ (این نونها لبت که شربه سر لطیف) لطیف
- ۵۴ (چه روز چارمین ماهه شوال المزم شد) ولادت حضرت قمر بنی هاشم علیه السلام
- ۵۶ (بنام عشق بازی را که چرخ افت از توبه) وضوی عاشق
- ۵۶ (از خاطر مکی می رود افسردگی حرمت) آه از دل من معین
- ۵۷ (ای خاک قم که هست تو را جلوه جنان فضیلت زهرا) مدفن حضرت معصومه علیها السلام
- ۵۸ (گنج علوم و علت ایجاد ماه و طین) مصائب حضرت زهرا علیها السلام
- ۵۹ (ستاره سحریم چرانهان شده ای) مصیبت حضرت فاطمه زهرا علیها
- ۵۹ (ای زمین اشب عزیز جان من مهمان توست) خطاب به زمین بتایع
- ۶۰ (ای بانوی حریم شهنشاه لافتی) در مقام حضرت زهرا سلام الله علیها
- ۶۰ (شیر حق گفت به زهرا که ایامونس جان) در مصیبت حضرت زهرا سلام الله علیها
- ۶۱ (دو نفر مرد عرب بود و عجم) مناظره عرب و عجم و اشاره به مصیبت حضرت زهرا علیها السلام
- ۶۲ (اررقی یا أرض یا البیت النبوی المصطفی) تک بیت
- ۶۲ (به دست خویش دل و جان خود به خاک سپردم) تک بیت عارفانه
- ۶۳ (با آن که غمش ز حد فزون بود) مصیبت امام مجتبی علیه السلام
- ۶۴ (الای زینب افکار مضطر) وله ایضا
- ۶۵ (آنچه بودی چرخ را جو رو جفا) اشاره به مصیبت حسنین علیهما السلام
- از آن روزی که شد ایجاد عالم) نزول جبرئیل برای تهنیت و تسلیت در ولادت امام حسین علیه السلام
- ۶۶ علیه السلام

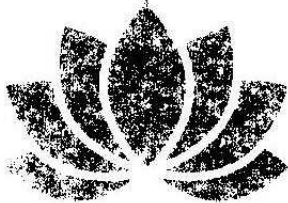
- ۶۷..... نیستی در عالم هستی دل آخر در کجایی) به یاد دل
- ۶۹..... (کاروان از کیست کو با شور و غوغا می رود) حرکت به سوی مکه ۲۸ رجب سال ۶۰ هجری
- ۷۰..... (دوش در آئینه خاطر دو صورت شد مصور) مکه و کربلا
- ۷۱..... (ای باصفا، صفا، ز صفا، صفا، تو) کعبه حقیقی حق
- ۷۲..... (هزار حیف نبودم به روز عاشورا) زبان حال امام زمان در عزای جدّ غریبشان امام حسین (علیه السلام)
- ۷۴..... (ای درت کم ریاب نجات) ایضا
- ۷۴..... (ای خاک کربلا چه لطیف و معطری) ایضا
- ۷۵..... (خوشا کرب و بلا و لا رارش)
- ۷۵..... (خوشا کرب و بلا و قتلش، قتلش کربلا)
- ۷۶..... (جان فدای عاشقان غرقه خون) اولین سرباز زمان عشق
- ۷۶..... (الای کوفیان نیرنگ تا کی) ایضا
- ۷۶..... (الای کوفیان من ناتوانم) ایضا
- ۷۷..... (چون به دارالعشق یعنی کربلا) حبیب این مظاهر
- ۷۸..... (زنو اندر تلاطم طبع همچون بحر زار خرد) شهادت حبیب این مظهر
- ۸۰..... (همه دارند چشم اما خوشا آن دیده بینا) حوبین یزید ریاحی علیه السلام
- ۸۴..... (حرب گفتا که شها با غم و آه آمده ایم) تضمین اشعار حافظ در مرثیه حضرت علیّه الرحمه
- ۸۴..... (یک نیمه روز خدمت شه کردی) تک بیتی
- ۸۵..... (چون شد بساط آل علی در زمانه طی) خزان دین
- ۸۶..... (روز عاشورا چو قوم دین تباہ) عباس علیه الرحمه
- ۸۸..... (ای درینا عمر شد صرف گناه) چون غلام ابیدر غفاری علیه الرحمه
- ۹۰..... (خرد سالی در حریم شاه بود) کودکی از شاگردان مکتب عشق
- ۹۲..... (چو از اسب شهادت شاه راشد بر زمین مسکن) شاهزاده عبدالله علیها الرحمه
- ۹۴..... (چه عبدالله راشه جا به بر داد) عبدی اطعنی
- ۹۴..... (عبدالله شیرین سخن آمد به بر شاه) العبد و مافی یده کان لمولاه
- ۹۵..... (طبع من دل خسته فرو ریخت مجدد) گلی از بوستان ابوالفضل علیه السلام

- ۹۷ (شه آمد در کفش طفل صغیری) ستارهای از آسمان امامت
- ۹۸ (تا که مظلومیش گردد عیان) خون گلوی شیرخوار
- ۹۸ (شد برون از خیمه گاه آن حق پرست) طفل بیگناه
- ۹۸ (بهار آمد گل گلزار رنگین) دویتی
- ۹۹ (ز برج خیمه طالع شد جمالی) جوانی برومند از خاندان رسالت
- ۱۰۰ (شد لشکر عدوان علی جان) سخنی از پدری داغ دیده
- ۱۰۱ (در رت روح میسر نشود پیش نظر) صورت روح
- ۱۰۱ (اگر نه به ذات مصطفی بود شبیه) الولد سر ایبه
- ۱۰۱ (اکبر که به ذات مصطفی) به یاد روی اکبر
- ۱۰۱ (غم های حسین یک آن بر) اکبر غم ها
- ۱۰۲ (بعد از شای ذاتی کوشیده) پیش قامت عمر بنی هاشم
- ۱۰۴ (مجموعه شرافت و فهرست سرری) حوضستان حیدری
- ۱۰۵ (سرداری سپاه علمداری حشم) بو افضا بواله کارم ذی الجود و الکریم
- ۱۰۶ (افناد تا که از تن آن شهسوار دست) افتادند از تن شهسوار دست
- ۱۰۷ (گرچه هر عضوی به جای خویشتن) اهمیت دست
- ۱۰۹ (اگرچه دست در پیکر ندارم) شور حسینی
- ۱۰۹ (هر چند که من ضعیفه و پیرزنم) مادری که پسرش در کربلا شهید شد
- ۱۱۰ (با آن که ابوالفضل بسی سعی نمود) سقای تشنه کام
- ۱۱۱ (باز از روح القدس تأیید شد طبع سخنور) هفتاد و دو تن
- ۱۱۶ (چاکرانت به گه رزم چو خیاطانند) رباعی
- ۱۱۷ (ایها الساقی ادر کأس الولاة) آخرین شب زندگی
- ۱۱۹ (اندر شب عاشق، امام بی یار) یا دهر اف لک من خلیل
- ۱۲۰ (چون به دشت کربلا سلطان عشق) بستان عشق
- ۱۲۲ (ای که دعوی دار عشقی لب ببند از قیل و قالش) عشق معنوی
- ۱۲۴ (شده سوی خیمه بیمار عشق) عیادتی از بیمار عشق
- ۱۲۶ (الا ای زینب افکار مضطر) و دایع آخر

- ۱۲۸..... (چه پیراهن شهادت را علامت) پیراهن یادگاری زهرا علیها السلام
- ۱۲۹..... (باز، یاد داستانی زده به جان و دل شراره) آخرین دیدار
- ۱۳۱..... (ای راکب فرخنده نگهدار عنان را) ای راکب فرخنده
- ۱۳۲..... (شنیدی شرح معراج نبی در لیلۃ الاسراء) معراج
- ۱۳۲..... (ای صاحب افتخار مهلاً مهلاً) مهلاً مهلاً
- ۱۳۳..... (در دشت کین جو خسرو دین خسته شد ز جنگ) خورشید آسمان شرف گشت منکسف
- ۱۳۴..... (از بهر کشتن چوستان باستان رسید) خزان بوستان امامت
- ۱۳۵..... (آن زخم سنان بیرو و خنجر یکسو) «در مصیبت حضرت علی اکبر علیه السلام»
- ۱۳۵..... (یک روز به ساق عرش روی بس) ساق عرش
- ۱۳۶..... (بنازم عشق بازی را که اندر سر عاشق) قهرمان توحید
- ۱۳۸..... (با سوز جگر کنم به خورشید طاب آورد محو)
- ۱۳۹..... (ز آشک آیز تر شد پای سرو و یاسمن امشب) لاله: کربلا
- ۱۴۰..... (تا سر سردار مظلومان به روی نیزه تر شد) میایات سر و بدن امام حسین علیه السلام
- ۱۴۳..... (کردند چون به ناله عریان سوارشان) گل‌های پرپر
- ۱۴۴..... (برادر این گل صدف‌برگ یا که نسترن است) برادر این گل صد برگ یا که نسترن است
- ۱۴۴..... (اندر سر نعش، زینب دخت بتول) اللهم تقبل هذا القربان من آل محمد
- ۱۴۵..... (خیز از جای تو ای نوردو چشم تر ما) تضمین غزل حافظ - زینب
- ۱۴۶..... (چون از جفای فرقه فارغ زنگ و نام) خیمه‌های سوخته
- ۱۴۷..... (سکینه آمد و گل در چمن دید) سبوری در گلستان
- ۱۴۷..... (دماغ رفتن بستان ندارم) خوابه شام
- ۱۴۸..... (سپهر عفت و عصمت مه برج حیا زینب) ورود به کوفه
- ۱۵۱..... (ای برادر با تو من در محفل غم مهنشینم) سخنی در بازار کوفه
- ۱۵۲..... (در ورود عترت شاه شهید) مجلس یزید ابن معاویه
- ۱۵۴..... (خزان رسید بر احوال بوستان گزیم) خزانیه
- ۱۵۵..... (بابا چه عجب که یاد یاران کردی) چند دوبیتی زبان حال دختری یتیم
- ۱۵۶..... (بهار سبزه و گل فرودین است) اربعین

- ۱۵۷..... (بر مشام بوی جان آید همی) بوی باب مهربان
- ۱۵۸..... (زنو شد اربعین روز عزاشد) اربعین روز عزاشد
- ۱۵۹..... (صبا بیر تو ز من تا به کوی یار سلام) به کوی یار سلام
- ۱۶۰..... (به کنج محبس هارون ملمون) شهادت امام هفتم
- ۱۶۲..... (از آن روزی که تقسیم بلا شد) امام هشتم
- ۱۶۳..... (سلام من بتو ای شاه تاجدار رضا جان) امام رضا علیه السلام
- ۱۶۴..... (اصل اسلام و ایه ایمان) اصول دین و مذهب
- ۱۶۵..... (از امامان دوازده می دان) ائمه اثنی عشری علیهم السلام
- ۱۶۶..... (با تو گم م فروع بر راز) فروع دین
- ۱۶۷..... (نماز بئر دینان بود عید عمده) نماز
- ۱۶۸..... (با تو گویم مقدمات) مقدمات نماز
- ۱۶۸..... (در مسجدی که دم زند از روسته بهشت) مسجد جامع کاشمر
- ۱۶۹..... (ای که خواهی شوی نمازگذار) شکایت نماز
- ۱۷۱..... (من ندانم از چه دائم با غم و محنت قرینم) قصده
- ۱۷۴..... (ای مدعی که کرده امام زمان ظهور) رد بر فرقه ضاله
- ۱۷۵..... (مثل ظالم است با مظلوم) مثل ظالم و مظلوم
- ۱۷۵..... (جهان رای و فانی بود فرجام) بدنامی
- ۱۷۶..... (هی ماه و هفته می گذرد از مدار عمر) مدار عمر
- ۱۷۷..... (تو که بر زمین نگشتی به فلک چه کرداری) قطعه
- ۱۷۸..... (رخ را بر آستان تو سائیده آفتاب) آرمایش شعری
- ۱۷۹..... (بر مرده دلان طبع تو آمده مشکوة) رباعی
- ۱۸۰..... (شنیدم که جمعی ز ارباب سور) جنگ سوریان
- ۱۸۱..... (خری بود در زیر بار گران) هوای نفس
- ۱۸۲..... (خواهید اگر از همه غم ها برهید) فقد مات شهید
- ۱۸۳..... (کناریکی حانظ کوکنار) کلاهی و عمامه
- ۱۸۴..... (گر دهاتی شراب خورد و عرق) دهاتی اگر شراب بخورد

- ۱۸۵..... (ما گوش نشین و صاحب تمکینیم) به یکی از حکام نوشته اند.
- ۱۸۶..... (این چرخ مثال آسیانی است) دوبیتی
- ۱۸۶..... (ای فسق و فجور کار هر روز ما) رباعی
- ۱۸۶..... (تاباد صبا پرده ز رخساروی انداخت) تک بیت
- ۱۸۷..... (تا صورت زیبای تو از دیده نماند شد) تاریخ وفات پدر
- ۱۸۸..... (من که دائم از جنای آسمان فریاد دارم) شرح حال خود را به دوستی نوشته
- ۱۹۰..... (خوش آن کس که به حکم خدا مطیع بود) تسلیت به یک دوست
- ۱۹۱..... (ای عمر در درجہ رده شتاد) غفلت از مرگ
- ۱۹۳..... (حیف از این عمر که در درجہ رده ریز بار گذشت) حیف عمر
- ۱۹۴..... (خواجہ می خواهد بر او خویشتن چاهم کند) بغل
- ۱۹۵..... (هر که در عالم به قند و چای قند است) ادو جائی
- ۱۹۶..... (رسید کار به جائی که ساکنان سما) حیدر
- ۱۹۷..... (میرزا قد بلند بوالوافر) در بارہ یکی از متا اور بن
- ۱۹۷..... (در مجلسی که جملہ جوانان نشستند) بوسہ سر پیر
- ۱۹۸..... (نمانده بود مگر چند ساعتی به بگاہ) سرگذشت شبی
- ۱۹۸..... (بود مهمانش چون ختنه کردن) مهمانی مرد بخیل
- ۱۹۸..... (المیۃ لله که زمستان بسر آمد) تک بیت
- ۱۹۹..... (هر کس که به خانہ وی آید) به لہجہ محلی
- ۱۹۹..... (ابلیہی گفتا کہ در ترشیز شد عالم زیاد) تک بیت
- ۱۹۹..... (اندر دہات ترشیز آب سہ دہہ بود بد) شوخی
- ۱۹۹..... (مخدوم معظم تو مگر نشنیدی) شعری از قصیدہ ای



مقدمه

کتاب حاضر اشعار آئینی مرحوم آقا اسلام جناب آقای حاج شیخ علی امامی معروف به امام جمعه کاشمیری متخلص به «مشکات» است.

ایشان در سال ۱۲۴۸ شمسی در کاشمیر از توابع استان خراسان رضوی متولد شد. پدر ایشان مرحوم حاج شیخ محمدباقر امام جمعه (ره) جد ایشان مرحوم آخوند ملا محمد مهدی امام جمعه از علماء کاشمیر و دارای کمالات بهائی و اهل کرامت بودند. و علت معروفیت ایشان و مرحوم والد و جدشان به امام جمعه خاطر در اختیار داشتن این منصب در شهر بوده است.

مرحوم امام جمعه «مشکات» دارای ذوق عالی در سرودن شعر بوده و آگاه به تاریخ اسلام و ایران و مسلط به اخبار و روایات رسیده از حضرات معصومین علیهم السلام می‌باشند. همین نبوغ و دانش، شعر ایشان را از نظر محتوای شعری از دیگران متمایز می‌سازد.

اشعار موجود در این کتاب بیشتر توسط ایشان در محافل و مجالس و عظم و مدح و مرثیه اهل بیت علیهم السلام سروده شده است و توسط دوستان و علاقمندان خاندان عصمت و طهارت اقدام به نگارش آن کرده و در دو مرحله به چاپ رسیده است.

اولین بار در سال ۱۳۲۰ با عنوان کتاب «مشکات الجنان» که حدود ۳۰ صفحه بوده و در زمان حیات ایشان به چاپ رسیده است و در نوبت بعد در سال ۱۳۵۶ توسط آقای پرفسور محمد امامی نوری نوه محترم ایشان و به همت و کوشش پدر شهید مرحوم حجة الاسلام حاج سید محمد آل طه^۱ و با در اختیار گذاشتن اشعار جمع آوری شده توسط مرحوم حاج علی اصغر دلاوری کتاب کامل تری به دست چاپ رسیده شد. لکن در مقدمه کتاب مزبور مرحوم حاج آقای آل طه از دسترس نبودن و پراکنگی اشعار و حتی تقاضای ایشان برای تکمیل کتاب اشاره نمود و گلابه مند بودند. به همین روی این اثر در قطع وزیری حدود ۱۲۰ صفحه به چاپ رسیده است. حقیر از حدود ۲ سال قبل علاقمند بودم تا چنانچه توفیق رفیق شود، روی اثر مرحوم مشکات دقت و تمرکز بیشتری نموده و با تفحص بتوانم اشعار پراکنده را جمع آوری و به بیانی دیگر اثر را تکمیل نمایم و این صرفاً به دلیل ارادت قلبی حقیر نسبت به این شاعر با ولایت و آئینی بوده است. در طول دوران نوجوانی و جوانی اینجانب از بیان علماء اهل منبر که توفیق درک آنها را داشتم استفاده‌ها برده و با اشعار مرحوم مشکات مانوس می‌شدم و علمای مذکور نیز از علماء گذشته که حق استادی به گردن آنها داشته‌اند ذکر و یاد می‌آوردند. و از همه آنانی که به نحوی با اشعار دلسوخته اهل بیت علیهم السلام، مرحوم مشکات، نسبت داشته‌اند و شور محبت و ولایت انمه علیهم السلام را در دل دوستان شعله‌ور می‌کردند.

از جمله مرحوم حاج شیخ محمد تقی انتظام (ریح) از ملازمان مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی (نخودکی) و مرحوم سیبویه کاشانی، مرحوم آقای حاج شیخ محمد واله از ایشان در منبر به نیکی یاد می‌کردند، ایشان نقل کردند روزی به اتفاق یک نفر از اهل معنی به روضه‌ای رفتیم که مرحوم سیبویه در روی منبر بوده و مردم را مستفیض می‌کردند، آن آقای که همراه ما بود به من گفت من می‌بینم که ملانکه دور سر این منبری می‌چرخند، یا منبری آدم خاصی است و یا منزل موقعیت خوبی دارد و صاحبخانه با اخلاص است.

استفاده از اشعار مرحوم مشکات خصوصاً اشعار مقتل ایشان دارای سوز خاصی

است که جا دارد از علماء در گذشته به همین مناسبت یادی به عمل آورم، مرحوم حاج شیخ محمد واله (عالم عامل اخلاق) و مرحوم حاج شیخ رضا روحانی کاشمیری، مرحوم حاج شیخ جواد مدرسی، مرحوم حاج آقای فاضل و داماد مرحوم مشکات مرحوم حاج شیخ عبدالکریم اولیائی و سایر علمایی که به دلیل ضیق سطور امکان نام آوردن آنها میسر نمی باشد، خداوند ما را قادران زحمات علماء عامل قرار دهد. فلذا علی رغم جستجوی فراوان در بین علاقمندان و کهنسالانی که از مرحوم مشکات خاطراتی در حافظه داشتند و حتی رجوع به بیت مرحوم حاج آقای آل طه هیچگونه شعر مضاعفی علاوه بر کتاب موجود یافت نشد و لکن در مطابقت کتاب مشکات انجمنانه در سال ۱۳۲۰ چاپ شده با کتاب چاپ ۱۳۵۶ حدود هشت بیت به اشعار مربوط اضافه گردید. ولی در بررسی دفاتر شعر که مربوط به مرحوم حاج محمد تقوی شاعر اهلی بیت دوازدهم چند قطعه شعر که تقریباً ۴ صفحه (جمعاً ۵۸ بیت) می شود کشف گردید. به سرعت به مرحوم مشکات اضافه شد.

بهر تقدیر مرحوم مشکات را می رود در زمره شاعران گرانقدر کشور شمار آورد. اشعار به دلیل مخدوش بودن برسی و مرعها به دوست گرانقدر شاعر مخلص اهلی بیت جناب آقای سید محمدرضا راجی تقدیم شد و ایشان زحمت اصلاح آنها را به عهده گرفتند.

از مرحوم مشکات ممکن است در دفاتر شعر و اوران متنه مداحان و وعاظ اشعاری موجود باشد لکن اطلاع رسانی و تقاضا جهت در اختیار گذاشتن آنها نیازمند همت جمعی است و امید است این اثر بتواند تقاضای مزبور را کفایت نماید.

مرحوم مشکات جزو شعرای اواخر دوره قاجار محسوب می شوند. وی در سال ۱۳۳۳ شمسی به دیار باقی شتافت و در مدخل ورودی امامزاده سید حمزه (باغ مزار) کاشمر مدفون گردید. ایشان در وصیتی که نوشته بودند تقاضا کردند که بدن ایشان با آب فرات غسل داده شود و اتفاقاً در وقت فوت وقتی وصیت قرائت می شود یکی از مجاورین و دوستان ایشان مرحوم حاج آقا رضا عظیمیان که از سفر کربلا یک گالن آب فرات با خود آورده بودند جهت غسل مرحوم امام جمعه تقدیم می کنند.

ایشان در وصیت خود چنین می سراید:

به قبرم نیاید کس از مرد وزن بجز نوحه خوان و بجز سینه زن
و این به نوعی اشاره به شعر منتسب به خیام دارد ولی با مفهومی متفاوت.
ایشان در قسمتی از وصیتنامه که اصل آن پیدا نشد می گوید: «حسینم وصی
است و ناظر خدا»

از اشعار ارزشمند ایشان، شعر مربوط به حضرت زینب سلام الله علیها است
که فی الجمله در انقلاب اسلامی در تابلویی به فارسی در حرم مطهر آن حضرت در دمشق
به دیوار نصب شده است. وی در قسمت پایانی این قصیده می گوید:

تو دل خوشی. دار مشکات ارچه غرق بحر عصیانی
شفیع معصیت کاران بود روز جزا زینب

یا در تکبیت عارفان س از زبان امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به حضرت
صدیقۀ ظاهره علیها السلام می گوید:

به دست خویش دل و جان خود به خاک سپردم
به سختی من بین که جان برفت و نمردم

و یا در شعر مثنوی درباره «جون» غلام ابی می گوید.

آنچه با فرزند خود اکبر نمود با غلام خویش آن سرور نمود
شه نهاد از مهر و بر روی او گفت اللهم تبارک وجهه
گفت راوی در میان قتلگاه دیدم او را بار خن مانند ماه
هست مشکات حزین دلفکار خادمان شاه را خدمتگزار

غنای شعری و شور و حال ایشان مخصوصاً در مدح و رثای اهل بیت علیهم
السلام باید به عنوان الگوی شعری در جامعه مطرح و علاقمندان به مکتب اهل بیت
از منشاء زلال هنر ولایی ایشان استفاده کرده و روح خود را با صفای توأم با علم این
شاعر و شعرای مشابه ایشان جلا دهند.

در خاتمه از همه دوستان و اقوام و همشهریان محترم خصوصاً بیت مرحوم حاج آقای آل طه و آقای دلاوری و جناب حجة الاسلام حاج آقای مظلومی و دوست عزیزم آقای دکتر حجت اسعدی، شاعر اهل بیت جناب آقای سید حسین مؤید که سعی وافر در تکمیل این اثر داشتند و به علت ضیق سطور نام بردن از سایر دوستان امکان پذیر نیست از تمام عزیزانی که کمال لطف و محبت را مبذول داشتند تشکر می‌کنم اجر همه آنها با حضرت ارباب ابا عبدالله الحسین علیه السلام. و همچنین از همه عزیزان تقاضا دارم پنانچه اطلاعی از اشعار به جا مانده از مرحوم «مشکات» در دفاتر و یا در دسترس مترجمندان هست که در کتاب موجود چاپ نشده است، در اختیار اینجانب قرار دهند تا در چاپ‌های بعدی در اختیار علاقمندان قرار گیرد. حقیر خود را نیازمند تذکر دوستان و پدیدتالیق تقاضای پیشنهادات سازنده می‌دانم و دست تقاضا جهت تکمیل و یا اصلاح را درم و از این لطف مشفقانه استقبال می‌نمایم لذا بزرگواران می‌توانند مراتب را به ادرس الکترونیکی را با شماره ذیل الذکر تماس و منتقل فرمایند.

ابوالفضل امینیان / بهار ۹۷

پست الکترونیکی: abolfazlaminiyan@gmail.com

شماره همراه: ۰۹۱۵۱۱۳۳۹۳۶



امامزاده سید حمزه ابن موسی بن جعفر علیه السلام (باغزار) کاشمر